

ما يتعلق بالإرث وحقوق الناس

آنچه به ارث و حقوق مردم تعلق دارد

س ۱۴۵ / رجل عنده أم وإخوة، هل يجوز له أن يكتب كل ممتلكاته في حياته باسم زوجته؟

پرسش ۱۴۵:

مردی مادر و برادرانی دارد. آیا جایز است که او همه دارایی خود را در قید حیات خود به نام همسرش کند؟

ج / يجوز إذا لم يكن مريضاً بمرض لا يأمن معه من الموت (أي مرض مخوف)، وإلا فليس له حق التصرف بأكثر من الثلث إذا كان ورثته مؤمنين بالحق.

پاسخ:

در صورتی که بیماری منجر به مرگ (بیماری خوفناک) نداشته باشد جایز است، وگرنه حق تصرف در بیشتر از یک سوم اموال خود را ندارد، در صورتی که ورثه او مؤمن به حق باشند.

س ۱۴۶ / رب أسرة توفى وترك بيتاً، قام الورثة بتأجير البيت واختلفوا في تقاسم الإيجار الذي يبلغ (٣٠٠.٠٠٠) ديناراً، علماً أن الورثة هم زوجته وابنه وابنته وأمه وأبوه، أفتونا جزاكم الله خيراً.

پرسش ۱۴۶:

سرپرست خانواده‌ای فوت کرده و خانه‌ای باقی گذاشته است. ورثه آن خانه را اجاره داده‌اند و در تقسیم اجاره‌بها که مبلغش سیصد هزار دینار است دچار اختلاف شده‌اند. با توجه به اینکه ورثه میت، همسر (زن)، پسر، دختر، مادر و پدر او هستند ما را روشن فرمایید؛ خداوند شمارا جزای خیر عطا فرماید!

ج/ فيما يخص السؤال يقسم البيت أو إيجاره إلى (٧٢) سهماً، وبحسب المبلغ أعلاه تكون قيمة السهم تقريباً (٤١٦٧)، وتقسم كالتالي:

پاسخ:

با توجه به فرضیات این پرسش، خانه یا اجاره‌بها به ٧٢ سهم قسمت و با توجه به مبلغ مذکور، هر سهم تقریباً ٤١٦٧ (دینار) و به صورت زیر تقسیم می‌شود:

الأم: لها السدس أي ١٢ سهم تقريباً = ٥٠.٠٠٠ ديناراً.
مادر: يك ششم یعنی ١٢ سهم... تقريباً = پنجاه هزار دینار.

الأب: له السدس أي ١٢ سهم تقريباً = ٥٠.٠٠٠ ديناراً.
پدر: يك ششم یعنی ١٢ سهم... تقريباً = پنجاه هزار دینار.

الزوجة: لها الثمن أي ٩ أسهم تقريباً = ٣٧.٥٠٠ ديناراً.
همسر (زن): يك هشتم یعنی ٩ سهم... تقريباً = سی و هفت هزار و پانصد دینار.

الابن: له حصتان مما تبقى أي ٢٦ سهم ... تقريباً = ١٠٨.٣٤٠ ديناراً.
پسر: دو قسمت از آنچه باقی می‌ماند یعنی ٢٦ سهم... تقريباً = ١٠٨٣٤٠ دینار.

البنت: لها حصة مما تبقى أي ١٣ سهم تقريباً = ٥٤.١٦٠ ديناراً.
دختر: يك قسمت از آنچه باقی می‌ماند یعنی ١٣ سهم... تقريباً = ٥٤١٦٠ دینار.

س١٤٧/ امرأة توفت وتركت تريكة مهمة، كيف توزع هذه التريكة، علماً أن لها زوجاً وأماً وخمسة أبناء (بنتان وثلاثة أولاد) ؟

پرسش ۱۴۷:

زنی فوت کرده و ارث بزرگی بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه او شوهر، مادر و پنج فرزند (دو دختر و سه پسر) دارد میراث او چگونه تقسیم می شود؟

ج/ للزوج ربع، ولأُم سدس، والباقي للأبناء للذكر مثل حظ الأنثيين.

پاسخ:

شوهر یک چهارم، مادر یک ششم سهم می برند و مابقی بین فرزندان تقسیم می شود و هر پسر دو برابر هر دختر سهم می برد.

والتقسيم يكون بأن تقسم التركة إلى ۹۶ سهماً، للزوج منها ۲۴ سهماً، ولأُم منها ۱۶ سهماً، ولكل ولد من الثلاثة ۱۴ سهماً (۱۴ + ۱۴ + ۱۴)، ولكل بنت ۷ أسهم (۷+۷).

نحوه تقسیم کردن آن به این صورت است که ماترک به ۹۶ سهم تقسیم شود: شوهر ۲۴ سهم، مادر ۱۶ سهم، هر یک از سه پسر ۱۴ سهم (۱۴+۱۴+۱۴) و هر دختر ۷ سهم (۷+۷) ارث می برند.

س ۱۴۸/ شخص له بيت بناه من مرتبه ومرتب أولاده وكان راتبه (۶۰۰) دولار وراتب الأولاد كل شخص (۱۵۰) وهم أربعة، وكان أحد الأولاد يصرف أكثر من مصرف إخوانه فكيف يقسم البيت، وحتى قطعة الأرض من نفس المورد.

پرسش ۱۴۸:

شخصی خانه ای از حقوق خود و فرزندانش بنا کرده، حقوق او ۶۰۰ دلار و حقوق هر کدام از فرزندانش ۱۵۰ دلار است و آنها چهار نفر هستند و یکی از فرزندان بیشتر از برادرانش مصرف کرده است. حال این خانه چگونه تقسیم می شود؟ و حتی وضعیت این قطعه زمین نیز به همین صورت می باشد.

هل من حق الاب أن لا يعطي أحد أولاده من حصته بما أن له نصف البيت لأن أحد الأولاد طالب بحصته، فكيف تكون القسمة؟

آیا پدر می تواند به یکی از فرزندانش از سهم خودش ندهد چرا که نصف خانه از آن او

است و یکی از فرزندان سهمش را می خواهد. خانه چگونه باید تقسیم شود؟

ج/ للولد الذي دفع مالاً اقل حصة بمقدار ما دفع، وللبقية كل واحد حصة بمقدار ما دفع ومنهم الاب، وللاب كما لأي أحد أن يتصرف بماله في حياته ويهبه لمن يشاء من أبنائه وغيرهم طالما أنه ليس بمرض الموت أو بمرض خطير يخشى عليه منه الموت.

پاسخ:

فرزندی که به او مالی پرداخت شده است، به نسبت مالی که به او پرداخت شده نصیب کمتری تعلق می گیرد و نصیب بقیه از جمله پدر- به اندازه مقداری که پرداخت کرده اند می باشد. پدر مانند هر شخص دیگری می تواند در قید حیاتش در مالش تصرف کند و به هر یک از فرزندان یا هر کس دیگر که مایل است مالش را ببخشد؛ و این در صورتی است که به مرض منجر به مرگ یا بیماری خطرناکی که بیم مرگ از آن وجود دارد مبتلا نباشد.

س۱۴۹/ في عام ۱۹۸۰ تقريباً كان لدي مال ۱۲۰ دينار عراقي لأحد الناس، ثم مات بالحرب آنذاك، ولم أعرف له أقارب، ولا أعرف الآن كيف لي أن أبرئ ذمتي من هذا المبلغ، وكيف أدفعه فهو الآن لا قيمة له.

پرسش ۱۴۹:

در سال ۱۹۸۰ تقریباً ۱۲۰ دینار عراقی از شخصی گرفته بودم. وی آن موقع در جنگ مُرد و من نزدیکان او را نمی شناسم و اکنون نمی دانم چطور می توانم ذمه ام را از این مبلغ بری کنم؛ چراکه این مبلغ در حال حاضر ارزشی ندارد.

ج/ إذا كان له ورثة تعرفهم فلا بد من إعطائها لهم، وإذا لم يكن له ورثة أو إنك لا تعرفهم، فتصدق بها نيابة عنه على المحتاجين من المؤمنين، وبالنسبة للمبلغ فتقيمه في هذا الوقت، أي كأن تنظر إلى المبلغ في ذاك الوقت كم يعادل من عملة أخرى مستقرة أو من الذهب وتقيمه في هذا الوقت.

پاسخ:

اگر ورثه ای دارد که آنها را می شناسی، باید مبلغ را به آنها بدهی و اگر ورثه ای ندارد یا شما آنان را نمی شناسی، آن مبلغ را به نیابت از او به مؤمنان نیازمند صدقه بده. مبلغ باید بر اساس ارزش پول در این زمان باشد؛ یعنی به ارزش مبلغ در آن موقع نگاه کن و بین

چه کاری با آن می توانستی انجام دهی یا در مقایسه با طلا چقدر ارزش داشت و ارزشش را در زمان حاضر برآورد کن.

س ۱۵۰ / من سنة ۱۹۹۳ ولغاية ۱۹۹۶م كنت أعمل في قلم الوحدة في الجيش، وأخذت مبالغ من الناس قدرها (٤) ملايين دينار تقريباً لأغراض التسريح وتسهيل أمور المعاملات، فما حكم هذه الأموال؟ علماً إنني كنت أعيل بيت عمي وهم يتامى وأصرف عليهم من هذه الأموال.

پرسش ۱۵۰:

از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ میلادی در بخش اداری یگان ارتش کار می کردم و از مردم مبالغی برای مرخصی دادن و کارچاق کنی معاملات می گرفتم که تقریباً ۴ میلیون دینار می شود. حکم این اموال چیست؟ با توجه به اینکه من خانواده عمویم - که یتیم هستند - را سرپرستی و از این اموال برای آنها مصرف می کردم.

ج/ إذا كنت تعرف أصحاب هذه الأموال فيجب إعادتها لهم أو تحصيل براءة الذمة منهم، وإذا كنت تجهلهم فتصدق بها على الفقراء نيابة عن أصحابها، وإذا كنت قد أعلت بها أيتاماً أو فقراء فلا حاجة للتصدق بها مرة أخرى.

پاسخ:

اگر صاحبان این اموال را می شناسی باید اموال را به آنها بازگردانی یا ذمهات را از آنها بری کنی، و اگر آنها را نمی شناسی با این اموال به نیابت از صاحبانشان صدقه بده، و اگر با این اموال، ایتام یا فقرایی را سرپرستی کرده ای، نیازی به صدقه دادن دوباره ای آنها نیست.

س ۱۵۱ / كان يعمل في الاتحاد الوطني بزمان الطاغية صدام (لعنه الله)، وهناك أموال مجموعة من الطلبة، ويبقى منها، كان يتصرف بها الأعضاء. فما حكمها لإبراء ذمتهم؟

پرسش ۱۵۱:

شخصی در زمان صدام طغیانگر (لعنه الله) در اتحادیه ی وطنی کار می کرده که در آنجا اموال مجموعه ای از دانشجویان بوده است. مقداری از آن اموال باقی مانده و اعضا در آن تصرف می کردند. حکم بری کردن ذمه از این اموال برای این افراد چیست؟

ج/ يتصدق بها على الفقراء.

پاسخ:
با آن به فقرا صدقه بدهد.

س۱۵۲/ شخص عنده سيارة فصدمه آخر بشكل غير متعمد، هل يجوز أخذ عوض صدمة سيارته، علماً أنها نقصت من قيمتها بعد أن كانت حديثة؟

پرسش ۱۵۲:
شخصی ماشینی دارد و غیر عمد به فردی صدمه وارد کرده است. آیا این شخص می تواند در عوض خسارت، ماشین آن شخصی را بگیرد؟ با توجه به اینکه ماشین نو بوده و از قیمت آن کاسته شده است؟

ج/ يجوز.

پاسخ:
جایز است.

* * *